

بسم الله الرحمن الرحيم

کیهان شناسی در قرآن : هفت آسمان و زمین

تهیه کننده مطلب : andishe

در قرآن کریم هفت مورد به صراحت و دو مورد به کنایه سخن از آسمانهای هفت گانه گفته شده است. و در يك مورد نیز ظاهراً سخن از زمین های هفت گانه گفته شده است. که به برخی از آن آیات اشاره می کنیم :

الله الذي خلق سبع سموات و من الارض مثلهن يتنزل الامر بينهن.(۱)

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می آید.

در آیات (سوره بقره/ ۱۲ - اسراء/ ۴۴ - مؤمنون/ ۸۶ - فصلت/ ۱۲ - ملک/ ۳ - نوح/ ۱۵) نیز سخن از آسمانهای هفتگانه است .

و در مؤمنون / ۱۷ نیز ظاهراً سخن از آسمانهای هفتگانه آمده است « و لقد خلقنا فوقكم سبع طرائق » اما تصریح نشده است. همچنانکه در آیه ۱۳ سوره عم «و بنیافوقکم سبعاً شداداً» به کنایه آمده است .

و در آیه ۱۲ سوره طلاق که گذشت ظاهر سخن از زمین های هفتگانه « و من الارض مثلهن » شده است ولی تصریح نشده است .

تاریخچه و دیدگاهها :

قرآن کریم هفت آسمان را از کلام نوع (نوع / ۱۵) نقل می‌کند و علامه طباطبائی در ذیل آیه نتیجه می‌گیرد که مشرکین معتقد به هفت آسمان بوده‌اند که نوع بوسیله این مطلب با آنان احتجاج می‌کند. پس معلوم می‌شود مساله هفت آسمان قبل از اسلام بلکه قبل از پیدایش ادیان یهود و مسیحیت مطرح بوده است .

در کتاب مقدس نیز به صورت متعددی سخن از آسمان گفته شده است گاهی آسمان مادی و گاهی آسمان روحانی که خارج از این دنیا است و در آنجا قداست و سعادت برقرار می‌باشد و محل مخصوص حضرت اقدس الهی است. و حضرت مسیح یا پسر انسان از آنجا نزول می‌کند .

خاخام های یهود بر این عقیده‌اند که هفت آسمان هست سه تا از آنها هیولائی (یا جسمانی) است و چهار تا روحانی می‌باشد . که ملائکه و مقدسین در آنجا ساکنند [۲] مدتی پس از آنکه قرآن کریم سخن از آسمانهای هفت‌گانه گفت، نظریه‌های کیهان شناسی یونانی وارد موزه جهان اسلام شد و مسلمانان در دوره خلافت عباسیان با هیئت بطلمیوسی [۳] آشنا شدند .

در اینجا اشکالی پدید آمد : تعداد افلاک در هیئت بطلمیوسی نه عدد بود اما تعداد آسمانهای قرآن هفت عدد بود .

از این رو دانشمندان مسلمان در پی توجیه و انطباق یافته‌های علمی زمانه خود با آیات قرآن برآمدند . و در این رابطه چند راه حل اندیشیده شد :

- 1- بوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) بیان داشت که عرش در قرآن « و یممل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية » [۴] همان فلك نهم یا فلك الافلاك هیئت بطلمیوسی است.

او افلاک هشتگانه را همان ملائکه‌ای می‌دانست که عرش را حمل می‌کنند. [۵] او سعی کرد بدین وسیله بین کلام الهی و هیئت بطلمیوسی جمع کند .

2- فواجه طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق) متکلم و منجم مشهور مسلمان تلاش کرد تا عدد

افلاک را از نه، به هفت تقلیل دهد. اما مورد حمایت دانشمندان قرار نگرفت. [۶]

3- علامه مجلسی (ره) (م ۱۱۱۱ ق) محدث مشهور شیعه در مورد آیه ۲۹ سوره بقره «

ثم استوي الي السماء فسواهن سبع سماوات » نوشت: هفتگانه بودن آسمانها منافاتی با نه گانه بودن آنها که در علم نجوم، ثابت شده است، ندارد، زیرا آسمان

هشتم و نهم در زبان دینی، به کرسی و عرش تعبیر شده است. [۷]

4- حاج ملا هادی سبزواری در کتاب شرح منظومه خویش که در سال ۱۲۶۱ ق نوشته

شده است، فلک هشتم را کرسی و فلک اطلس (فلک نهم) را همان عرش می‌داند.

علت این امر را جمع بین عقل و شرع می‌داند. [۸]

تذکر: بوعلی سینا و علامه مجلسی و ملاهادی سبزواری دلیل قانع کننده‌ای بر این

تطبیق ارائه نکرده‌اند و لذا کلام ایشان قابل قبول به نظر نمی‌رسد. بلکه معنای

لغوی و اصطلاحی عرش و کرسی با فلک هشتم و نهم مناسبتی ندارد .

کرسی به معنای تفت و کنایه از سلطه و سیطره و تدبیر و قیومیت خدا

است. [۹] عرش نیز در لغت، در اصل به معنای خانه سقف‌دار است و به معنای تفت

مکومت نیز آمده است چرا که بلند است. و در قرآن و روایات به معنای مرکز

دستورات عالم است که رشته امور جهان به آن منتهی می‌شود. [۱۰] و مفسران نیز آن

را به معنای « مظهر مکومت » دانسته‌اند . و منظور سلطنت و مکومت الهی

است. [۱۱]

5- یدالله نیازمند شیرازی در کتاب خویش می‌گوید منظور از عرش کائنات لایتناهی

است و آسمان‌های هفت‌گانه کراتی است که به دور زمین و خورشید هر دو در حرکت هستند که هفت عددند [۱۲]

تذکر: جالب است که بدانیم تعداد سیارات منظومه شمسی که تا زمان انتشار کتاب فوق (۱۳۳۵ ش) کشف شده بود و مؤلف از آنها اطلاع داشت نه عدد بوده‌اند ولی شش عدد آنها همراه با ماه به دور زمین می‌چرخند و لذا ایشان دو مورد (یعنی عطارد و زهره) را به حساب نیاورده و شش عدد باقی مانده را از آسمانهای هفت‌گانه دانسته و وقتی یکی کمبود داشته است کره ماه را هم اضافه کرده است .

6- اما فخر رازی نیز بر آن است که اسمانهای هفت‌گانه همان هفت فلک (قمر - عطارد - زهره - خورشید - مریخ - مشتری - زحل) است. و آن را با هیئت بطلمیوس تطبیق داده‌اند [۱۳]

7- شیخ قاسمی در تفسیر محاسن التأویل می‌گوید که آسمانهای هفت‌گانه در قرآن همان سیارات هفت‌گانه است. که برخی فوق برخی قرار دارد [۱۴]

تذکر: البته فخر رازی و شیخ قاسمی نمی‌دانستند که روزی اورانوس، نپتون و پلوتون و سیاره‌های کوچک بین مشتری و مریخ بر تعداد سیارات منظومه شمسی اضافه می‌شود [۱۵]

و اصولاً همانطور که بیان خواهیم کرد لفظ « آسمان » به معنای کرات آسمانی (سیارات و ستارگان) در لغت و اصطلاح نیامده است تا هفت آسمان بر هفت سیاره منظومه شمسی حمل شود . بلی آسمان به معنای جهت بالا، جو زمین و جایگاه ستارگان (فرقان/ ۶۱ - ابراهیم / ۲۴ - ق / ۹) در قرآن آمده است. ولی به معنای خود ستارگان نیامده است [۱۶]

پس کلام نیازمند شیرازی. فخر رازی و شیخ قاسمی دلیلی ندارد. و نوعی تحمیل بر

قرآن است .

8- عبدالقادر مغربی می نویسد که : مکمت ذکر هفت آسمان در قرآن این است که مخاطبین نمی توانستند بیشتر از آن هفت سیاره را ببینند و درباره آنها فکر کنند. و این هفت عدد مشهور بین مرد بود و لذا قرآن به این تعداد اکتفا کرد. [۱۷]

تذکر: این مطلب هم دلیل ندارد و مخالف مس است چرا که اعراب و غیر اعراب در شب ها ستارگان زیادی می دیدند که می توانستند راجع به آنها فکر کنند. بلکه قرآن در برخی موارد مطالبی را ذکر می کند که بشر از شمارش و فهم آنها عاجز است: « ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها. » [۱۸]

بلی اگر مقصود ایشان این باشد که عدد هفت دلالت بر کثرت می کند احتمال محقوبی است که باید مورد بررسی قرار گیرد .

9- برخی دیگر از علما گفتند که مقصود از آسمانهای هفتگانه مدارهای سیاراتی که دور خورشید می گردند [۱۹]

تذکر: این مطلب هم با معنای لغوی و اصطلاحی سماء مناسبتی ندارد همانطور که بیان فوایم کرد .

10- برخی دیگر گفتند که مقصود طبقات مختلفی است که بر زمین احاطه

دارند. [۲۰]

از جمله نویسندگان کتاب « راز آسمانهای هفتگانه » می نویسد :

« با مطالعه و تحقیقی که اینجانب در این مورد داشتم به این نتیجه رسیده ام که منظور از « سبع سماوات » هفت لایه مجزا از اتمسفر است که زمین را در بر گرفته است و از مجاورت زمین شروع می شود و تا هزاران کیلومتر اطراف آن ادامه می یابد .

این هفت لایه که به صورت شماتیک نمایش داده می‌شود: به ترتیب از مجاورت زمین عبارتند از : لایه‌های هموسفر - یونوسفر - لایه N مولکولی - لایه O اتمی - لایه He اتمی - لایه H اتمی و بالاخره لایه فلا که مقدار آنها مجموعاً هفت تا می‌گردد. لازم به ذکر است که این لایه‌ها از هم مجزا هستند .»

سپس تذکر می‌دهند که پیشنهاد مادی بودن هفت آسمان منتفی کننده نظریه معنوی بودن آنها نیست زیرا نظم ماوراء مادی می‌تواند در خود ماده و عالم ماده ظهور داشته باشد .

سپس با ارائه شکل‌ها، اطلاعات مفصلی (راجع به ضخامت و محتوای این لایه‌ها را ارائه می‌کند) [۲۱]

تذکر: آسمان گاهی به معنای جو زمین می‌آید (مثل آیه ۷ سوره ق) پس این احتمال قابل طرح است و از این رو بعداً در مورد آن سخن خواهیم گفت.

11- علامه شهرستانی می‌گوید :

«در قرآن و حدیث آمده است که ما هفت زمین و هفت آسمان آفریده ایم . هفت زمین عبارتند از : عطارد، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل و اورانوس؛ و هفت آسمان همان جو اتمسفری است که این سیارات هفتگانه را احاطه کرده است . تذکر: هنگامی که از علامه شهرستانی پرسیدند چرا نپتون و پلوتون را به حساب نمی‌آورید؟ پاسخ داد که این دو سیاره با چشم عادی قابل رؤیت نیستند. از این رو در لیست قرآن و حدیث نیامده‌اند» [۲۲]

البته اشکال اصلی سخن علامه شهرستانی آن است که لفظ «ارض» لغتاً و اصطلاحاً بر شش سیاره فوق اطلاق نمی‌شود .

12- برخی دیگر از صاحب‌نظران و مفسران برآنند که : همه این سیارات و

منظومه‌های و ستارگان و متی کهکشانها فقط آسمان اول قرآن هستند و شش آسمان دیگر خارج از دیدگاه بشری قرار گرفته‌اند. [۲۳] و همین احتمال مورد قبول صاحبان تفسیر نمونه قرار گرفته است. [۲۴]

تذکر: این سفن در مد يك احتمال قابل طرح است که بعدا بدان خواهیم پرداخت.

13- محمد باقر بهبودی در کتاب هفت آسمان به این نظریه رسید که: قرآن در باره هفت آسمان، تنها به خانواده منظومه شمسی نظر دارد، نه سایر منظومه‌ها چون سرنوشت کره زمین فقط، با سرنوشت منظومه شمسی ارتباط دارد. و در منظومه شمسی هفت آسمان همان هفت کره سیاره‌ای است که بر فراز زمین و فراز سر بشر در پرواز است نه آن سیاره‌های زیرین که در محکم زمین‌اند و از فراز سر نمی‌گذرند. این هفت آسمان عبارتند از: مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون، پلوتن و خرده سیارات آستروئید (کلید معمایی هفت آسمان) [۲۵] سپس ایشان توضیحات مفصلی در مورد هر يك از این سیارات (آسمان‌ها) می‌دهند.

تذکر: ایشان توضیح نمی‌دهد که چرا عطارد و زهره را از دور خارج کرد. و یا ماه را که بر فراز سر ما عبور می‌کند به حساب نیاورد. و نیز توضیح نداد که چگونه سرنوشت زمین با خارج از منظومه شمسی (با توجه به حرکت خورشید و منظومه و ستاره‌های دنباله‌دار...) بی‌ارتباط است.

14- از مجموع سفنان علامه طباطبائی (ره) در زیر آیات (سجده ۵ - فصلت ۱۲ - مؤمنون ۱۷ - نوح ۱۵) بدست می‌آید که ایشان در مورد واژه آسمان در قرآن معنای دیگری مطرح می‌کنند و آن را امری معنوی یعنی مقام قرب و حضور و راهی برای سلوک امر و تدبیر عالم و رفت و آمد ملائکه می‌داند که از آن طریق امر الهی جریان می‌یابد. [۲۶]

تذکر: هر چند که آسمان به معنای مقام قرب و مضور (آسمان معنوی) در همه آیات قرآن قابل قبول نیست چرا که در برخی آیات سفن از نزول باران از آسمان (یعنی جو زمین و محل ابرها) است. «و انزلنا من السماء ماءً مبارکاً» [۲۷] اما سفن علامه در برخی موارد صمیع است و می‌تواند چهره بمت را در آن موارد عوض کند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

نکته: قبلاً بیان شد که یهودیان و مسیحیان نیز آسمان معنوی را قبول داشتند.

15- برخی دیگر از نویسندگان بر آنند که از آیه ۲۹ سوره بقره و آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نوح استفاده می‌شود که منظور از هفت آسمان آسمانهای زمین است که ماه در آن تابان خورشید در میانشان فروزان می‌باشد. فوای جو زمین که از لحاظ غلظت و رقت هوا به هفت قسمت تقسیم شده، باشد فوای هفت ستاره منظومه شمسی که خورشید چون چراغی کاشانه آنها را گرم و نورانی می‌سازد.

امتمال دیگر این است که تقسیم آسمانها به «هفت» تقسیمی است که نزد خدا روشن باشد اما بر بشر مجهول است. (عباسعلی محمودی - ساکنان آسمان از نظر قرآن / ص ۱۴۶)

تذکر: اشکال این سفن که هفت آسمان همان هفت سیاره منظومه شمسی باشد گذشت.

16- دکتر محمد جمال‌الدین الفندی هفت آسمان قرآن را اینگونه تقسیم‌بندی می‌کند:

آسمان اول: همان منظومه شمسی است.

آسمان دوم: کهکشان راه شیری است.

آسمان سوم : مجموعه‌ای از کهکشان‌هاست که نام آن ط المجموعة المملیة « گذشت .

آسمان چهارم : فلك « عناقید الدرجة الاولى » است که مدود ۲۰ - ۵۰ میلیون سال نوری از ما دور است .

آسمان پنجم : فلك « عناقید الدرجة الثالثة » هستند که ۲-۳ بیلیون سال نوری از ما دور هستند .

و آسمان هفتم: آسمانی است که از امواج رادیویی آن خبر داریم]. ۲۸]

تذکر : سفن ایشان دلیلی ندارد. یعنی لفظ « سماء » لغتا و اصطلاحاً بر کهکشان خاصی اطلاق نشده است و کاربرد آن در قرآن به این صورت اثبات نشده است .

۱۷- طنطاوی بر آن است که عدد هفت در آیات هفت آسمان واقعی نیست و می‌تواند تعداد زیادتری آسمان وجود داشته باشد. و ریشه تعیین عدد هفت همان افکار یونانیان است که از علمای اسکندریه به ارث رسیده که نه فلك را قائل بودند که هفت عدد آنها (ماه - عطارد - زهره - خورشید - مریخ - مشتری - زحل) به دور زمین می‌چرخند و فلك هشتم جایگاه ثوابت و فلك نهم مبدء حرکت (فلك اطلس) بوده است این افکار که از طریق فارابی و بوعلی به ما رسیده است باعث تطبیق با « سموات سبع » قرآن و عرش و کرسی شد . در حالی که در علوم جدید مدود ششصد سیاره بسیار کوچک میان مریخ و مشتری یافته‌اند. که بزرگترین آنها « سرس » نام دارد که ۵۰۰ میل قطر دارد .

پس اگر خدا فرمود که هفت آسمان هست منافاتی ندارد که تعداد بیشتری آسمان وجود داشته باشد. و عدد قید نیست. و این عدد هفت در قرآن دلیل بر انحصار تعداد

آسمانها نیست]. ۲۹]

تذکر: برخی نویسندگان معاصر به طنطططط به شدت اشکال کرده‌اند که این سفنان

فلاف ظاهر آیات قرآن است که عدد هفت را معین می‌کنند. [۳۰]

18- دکتر محمد صادقی تعداد آسمانها را هفت عدد واقعی می‌داند و آسمان را جرم نه فضایی خالی معرفی می‌کند و تمام سیارات منظومه شمسی از آسمان اول است و آسمانهای دیگر بر آن احاطه دارد که نمی‌دانیم در آنها چیست. و همه در اثر تقسیم گاز اولیه جهان بوجود آمده‌اند. [۳۱]

19- برخی از صاحب‌نظران با طرح مسأله هفت آسمان قرآن کریم مدعی شده‌اند که با توجه به کشفیات جدید علوم کیهان شناسی در صحنه کیهانشنا، این گزاره قرآن نوعی اعجاز علمی قرآن را در بر دارد. [۳۲]

تذکر : در مورد این دو دیدگاه در ادامه سفن فوایم گفت .

نکات تفسیری:

اکنون برای آنکه مقصود قرآن از هفت آسمان و زمین روشن شود ناچاریم که به چند پرسش اساسی پاسخ گوییم و نظرات لغویین و مفسران قرآن را در این زمینه بررسی کنیم :

پرسش اول: مقصود از آسمان(سماء) چیست؟

کلمه «سماء» و مشتقات آن که سیصدوبار در قرآن کریم به کار رفته است، مفهوم جامعی است که مصادیق و معانی متعددی از آن اراده می‌شود. و لذا در لغت، علم و قرآن با مقاصد و معانی متفاوتی بکار رفته است :

الف : « سماء » در لغت از ریشه « سمو » (به معنای بلندی) است و اصل آن از آرامی و سریانی و عبری(شیمیا) است. [۳۳] و به معنای بالا و برتر (فوق) است . آسمان هر

چیزی، بالای آن چیز را گویند. و متی برخی لغویین ادعا کرده‌اند هر بالایی نسبت به

پایین آن آسمان و هر پایین نسبت به بالایی آن زمین است. [۳۴]

ب: آسمان در فیزیک جدید اینگونه تعریف شده است :

«پدیده‌ای نابوده [معدوم] و گنبدنما که زمینه دین سیارات و ستارگان

است» [۳۵]

پ: آسمان در قرآن :

کلمه « سماء » (آسمان) در قرآن به صورت مفرد (السماء - سما) و جمع (سموات

- السموات) بیش از سیصد مرتبه به کار رفته است. ولی در همه موارد به یک معنا

و در یک مصداق بکار نرفته است. و بطور کلی آسمان در قرآن در دو مفهوم

مادی (مسی) و معنوی به کار رفته است. که برخی از موارد آن عبارتند از :

1- آسمان (سما) در معنای بالا (جهت بالا): این معنا موافق معنای لغوی آسمان

است و برای نمونه آیه زیر را مثال زده‌اند :

«اصلها ثابت و فرعها فی السماء» [۳۶]

«همانند درخت پربرکت و پاکیزه که ریشه آن در زمین ثابت و محکم است و

شاخه‌های آن به آسمان کشیده شده»

این معنا را برخی از مفسران محاصر آورده‌اند [۳۷] ولی برخی دیگر از صاحب نظران

برآنند که این معنا بصورت مجازی یا مسامحه در قرآن به کار رفته است. [۳۸] چرا

که فوق (جهت بالا) جمع بسته نمی‌شود پس مثلاً « سبع سموات » نمی‌تواند به این

معنا باشد .

2- آسمان به معنای جو اطراف زمین یعنی جایی که ابرها قرار گرفته‌اند و هوا در آن

است. مثال :

«وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا» [۳۹]

«و از آسمان آب مبارکی را فرو فرستادیم»

3- آسمان به معنای مکان سیارات و ستارگان : مثال :

«تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا» [۴۰]

«بزرگوار آن فدائی که در آسمان برجها مقرر داشت و در آن چراغ روشن فرستید و

ماه تابان را روشن ساخت».

4- آسمان به معنای مقام قرب و مقام مضور که محل تدبیر امور عالم است .

برخی از مفسران مثل علامه طباطبائی (ره) در موارد متعدد «سما» را به این معنا

ارجاع داده‌اند. [۴۱] مثال :

«يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ» [۴۲]

«اوست که امر عالم را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند».

5- آسمان به معنای موجود عالی و موقی :

برخی از صاحب نظران بر آنند که آسمان در قرآن همانگونه که به معنای آسمان

مادی بکار رفته است. (مثل سموات سبع) در معنای علو مرتبه وجود و موجود عالی

نیز بکار رفته است که همان سما معنوی و عالم فوق ماده است که همه هستی

از آن مرتبه بالاتر نازل می‌شود. [۴۳] مثال :

«و فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تَوَعَّدُونَ» [۴۴]

«روزی‌تان و آنچه به شما وعده داده می‌شود (که ظاهراً بهشت منظور است) در

آسمان قرار دارد».

جمع‌بندی:

لِفظ « سماء » در قرآن و علم و لغت به يك معنای واحد به کار نرفته است بلکه در معنای و مصادیق مختلف بکار رفته است. و به عبارت دیگر مشترک لفظی است. هر چند ممکن است برخی از این معنای و مصادیق را در يك مفهوم واحد جمع کرد. برای مثال معنای چهارم و پنجم قرآنی (که از علامه طباطبائی (ره) و استاد مصباح یزدی نقل کردیم) را می‌توان در معنای آسمان معنوی جمع کرد.

پرسش دوم: مقصود از زمین (ارض) چیست؟

- کلمه « ارض » در قرآن کریم ۴۶ بار به کار رفته است و هیچگاه به صورت جمع نیامده است. بلکه در قرآن همیشه مفرد استعمال شده است. اما این کلمه در لغت و قرآن دارای معنای و مصادیق مختلف است :
- الف - در لغت: ارض جنس است و جمع آن « ارضون و اراضي » است به معنای کره خاکی که انسان بر روی آن زندگی می‌کند، می‌باشد. البته گاهی به مفهومی در مقابل « سماء » آمده که به معنای هر چیزی پست و پایین می‌باشد. [۴۵] و نیز به معنای جرم آمده است. اما معنای حقیقی آن پایین مقابل بلندی و بالا (سما) است و هنگامی که مطلق گفته شود به معنای کره خاکی است. [۴۶]
- ب - در قرآن کریم ارض به چند معنا به کار رفته است :
- 1- ارض به معنای کره زمین که بصورت اسم خاص و علم شخصی است. (مثال‌ها و آیات آن زیاد است).
 - 2- ارض به معنای قطعات زمین.
- مثال: در قرآن در مورد تبعید مبارکین آمده است :

«اوینفوا من الارض» [۴۷]

«یا مبارکین را از زمینی (که در آن زندگی می‌کنند) خارج می‌کنند».
روشن است که در اینجا مراد از «ارض» کره زمین نیست بلکه مقصود سرزمین آنهاست.

3- ارض به معنای «عالم طبیعت» در مقابل «سما» به معنای عالم ماوراء طبیعت:

مثال:

«و لکنه افلدا الی الارض واتبع هویه»...

«اما او (بلعم باعورا) بر زمین، روی آورد و از خواهش‌های فویش پیروی کرد و ...»
که در اینجا «افلدا الی الارض» به معنای دلبستگی به زمین و دنیا است که یک امر قلبی است. و بر اساس این معنا و با این اطلاق آسمان مادی هم ارض است. [۴۸] یعنی آسمان و زمین هر دو جزء دنیا است.

4- ارض در هنگامی که جمع بسته شود (ارضون) به معنای طبقات داخلی زمین است.

5- ارض در هنگامی که جمع بسته شود (ارضون) به معنای مناطق آباد زمین یا اقلیم‌های آن است.

در قدیم اقلیم‌های هفتگانه داشته‌اند و امروزه هم زمین را به مناطق هفتگانه (دو منطقه منجمد شمالی و جنوبی - دو منطقه معتدل - دو منطقه ماره و یک منطقه استوایی) تقسیم می‌کنند.

تذکر: این دو معنای افیر را برخی مفسران به صورت احتمال در زیر آیه ۱۲ سوره طلاق فرموده‌اند [۴۹]

جمع‌بندی :

می‌توان گفت که کلمه « ارض » نیز مثل « سما » دارای دو قسم ارزشی و غیر ارزشی (مادی و معنوی) است. و زمین (مسی) غیر ارزشی گاهی به معنای قطعات وقاره‌ها - طبقات داخلی زمین - کره خاکی می‌آید. و ارض ارزشی (معنوی) به معنای عالم پست طبیعت است .

پرسش سوم: مقصود از سبع (هفت) چیست؟

کلمه سبع (هفت) در عربی به دو صورت بکار می‌رود :

الف - هفت به معنای عدد مشخص و معین که در ریاضیات بکار می‌رود .

ب: هفت به عنوان نماد کثرت؛ چرا که گاهی در عرب کلمه « هفت » بکار می‌رود و معنای کنائی آن (تعداد زیاد و کثیر) مراد است. برای مثال در قرآن می‌خوانیم که «ولو انما فی الارض من شجرة اقلام و البحر یمدده من بعده سبعة ابر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز مکیم (۵۰)»

«و اگر هر درخت روی زمین قلم شود و آب دریا به اضافه هفت دریای دیگر مداد گردد باز نگارش کلمات خدا ناتمام بماند همانا خدا را اقتدار و حکمت (بی‌پایان) است .»

روشن است که مراد از « هفت دریا » در اینجا بیان کثرت است و اگر صدها دریا هم باشد برای نگارش کلمات خدا کافی نیست .

در آیات « سبع سموات » برخی از مفسران احتمال دوم را ذکر کرده‌اند [۵۱] و برخی از صاحب‌نظران نیز احتمال اول را قوی دانسته‌اند [۵۲] ولی هر دو احتمال در « سبع سموات » بعید بنظر نمی‌رسد .

اگر احتمال اول را پذیرفتیم پس مراد (در آیه ۱۲ سوره طلاق) آن است که هفت آسمان واقعی وجود دارد و اگر احتمال دوم را پذیرفتیم مراد آیه آن است که تعداد زیادی آسمان وجود دارد .

البته بر حسب معانی مختلف « ارض و سما » که بیان شد معانی متناسب و متفاوتی از آیه پیدا می شود مثال: هفت آسمان پر از ستاره و سیاره آفرید و هفت عدد کره زمین آفرید .

هفت طبقه جو زمین را آفرید و هفت طبقه داخلی زمین را آفرید .
هفت مرتبه عالی وجود و مقام قرب آفرید و هفت مرتبه پایین از طبیعت آفرید .

پرسش چهارم: مقصود از مثل هم بودن (مثلن) در آیه چیست؟

در مورد مثلثیت در آیه (۱۲ سوره طلاق) چند احتمال وجود دارد :

الف - همانند بودن آسمان و زمین در مورد تعداد (عدد هفت) [۵۳ :

یعنی : خداوند هفت آسمان آفرید و همانند آنها هفت زمین خلق کرد در این صورت «من» در « من الارض مثلن» بیان جنس است یعنی از جنس زمین نیز هفت عدد آفرید.

اگر این احتمال را در مورد « مثل » بپذیریم، همان احتمالات گذشته در مورد زمین و آسمان (ارض - سما) پیدا می شود که لازم است به صورت متناسب در نظر گرفته شود. برای مثال :

هفت طبقه آسمان (جو زمین) با هفت طبقه داخلی زمین .

هفت عالم و جهان پر از ستاره با هفت عدد کره زمین .

هفت مرتبه عالی وجود و مضور و قرب الهی با هفت مرتبه وجود پایین .

ب - مثل بودن زمین و آسمان در مورد محلق بودن و شناور شدن در فضا :

یعنی : همانگونه که فداوند سیارات و ستارگان آسمانها را شناور در فضا و بدون تکیه‌گاه و ستون افرید، زمین را نیز همانگونه خلق کرد. [۵۴]

در این صورت آسمان به معنای مجموعه سیارات و ستارگان معنا می‌شود. و زمین به معنای کره خاکی است. و می‌تواند عدد « هفت » در مورد زمین مقصود نباشد .

پ - مثل هم بودن در مورد ملکوتی بودنک

یعنی - فداوند آسمان (مقام قرب و مضور و ملکوت) را آفرید و از زمین چیزی شبیه آسمان آفرید، یعنی انسانی را خلق کرد که مرکب از ماده زمینی و روح ملکوتی آسمانی است. [۵۵]

در این صورت «من» در «من الارض مثلهن» به معنای نشویه است یعنی: از زمین (خاک) انسانی ملکوتی مانند آسمان ملکوتی نشأت گرفت و آفریده شد. که در این صورت چندین معنای «ارض» و «سما» مطرح نمی‌شود بلکه آسمان به معنای مقام قرب و مضور و ملکوت است و ارض به معنای کره خاکی یا مرتبه پست طبیعت است .

پرسش پنجم: مقصود قرآن از واژه « هفت آسمان » چیست؟

با توجه به مقدماتی که گذشت و معانی و مصادیقی که برای کلمه « ارض - سما - سبع - مثل »، بیان شد می‌توانیم نتیجه بگیریم که چندین احتمال در مورد واژه « هفت آسمان » وجود دارد :

- 1- هفت به معنای عدد حقیقی باشد که در این صورت این احتمالات متصور است :
- الف : هفت آسمان پر از ستاره و سیاره مثل هفت کره خاکی زمین.

این مطلب از نظر علمی نیز ممکن است چرا که برخی دانشمندان گفته‌اند که میلیون‌ها خورشید و سیاره مشابه زمین در کهکشان‌های جهان وجود دارد. همانگونه که احتمال وجود جهان‌های مشابه این آسمان پر ستاره را بعید نمی‌دانند چرا که دانشمندان علم نجوم و فیزیک کیهانی با تلسکوپ‌های خود توانسته‌اند تا میلیاردها ستاره و سیاره را ببینند ولی می‌گویند که هنوز فضاهای ناشناخته و تاریکی وجود دارد که از دامنه دید ما خارج است. **۱۵۶**

پس احتمال وجود شش جهان مشابه و شش آسمان دیگر که هنوز کشف نشده است وجود دارد. و این مطلب با ظاهر برخی آیات قرآن نیز همگونی دارد. **۱۵۷**

ب - هفت مقام قرب و مضور و موجود عالی معنوی (هفت آسمان) در مقابل هفت مرتبه پست وجودی طبیعت (هفت زمین).

تذکر: در این دو صورت مثل بودن آسمان و زمین در « هفت بودن » آنهاست.

2- هفت به معنای کثرت باشد:

در این صورت احتمالات زیر متصور است:

الف - آسمان‌های زیادی (مجموعه کرات و سیارات و ...) خلق کرد. و زمین‌های زیادی (کره‌های خاکی مشابه زمین) خلق کرد. که همه آنها در فضا شناور و محلق هستند.

ب - تعداد زیادی از طبقات جو زمین را خلق کرد. و تعداد زیادی از طبقات داخلی زمین یا قطعات زمین و اقلیم‌ها را خلق کرد.

امروزه در علوم زمین شناسی و هواشناسی طبقات آنها را از نظر مقدار تراکم مواد یا مواد سازنده آنها تقسیم می‌کنند. و در این صورت آیه اشاره به این طبقات است. و یا اشاره به مناطق هفتگانه زمین باشد. که قبلاً بیان کردیم.

پ - مراتب معنوی و مقامات قرب و مضور و موجودات عالی بسیاری خلق کرد
 مراتب پست طبیعت را که بسیار است خلق کرد .
 تذکر : در اینجا احتمالات دیگری نیز می‌تواند وجود داشته باشد و برخی افراد نیز
 بدان‌ها اشاره کرده‌اند ولی چون بسیار ضعیف و دور از ظاهر آیه بود بدان‌ها اشاره
 نکردیم (مثل اینکه مراد هفت سیاره منظومه شمسی باشد) البته در بین همین
 احتمالات نیز که ذکر شد برخی با ظاهر آیه مناسب‌تر است و برخی از ظاهر آیه دورتر
 است که قضاوت و اختیار هر معنا را به عهده خوانندگان صاحب نظر می‌گذاریم هر
 چند در این موارد قضاوت قطعی بسیار سخت است .

پرسش ششم: مقصود از هفت زمین چیست؟

در قرآن کریم آیه‌ای به صورت صریح در مورد هفت زمین وجود ندارد و تنها آیه‌ای که
 می‌تواند اشاره به هفت زمین محسوب شود همین آیه ۱۲ سوره طلاق است. البته
 اگر مثلثیت در این آیه را به معنای « مثل هم بودن در عدد هفت » بدانیم. در حالی
 که دو احتمال دیگر در مورد مثل بودن (مثلثیت در محلق بودن کرات در فضا و
 مثلثیت در ملکوتی بودن ۹ وجود داشت .

اما در روایات کلمه « الارضین السبع » [۵۸] زمین‌های هفتگانه آمده است و در
 نهج‌البلاغه نیز کلمه « الارضین » آمده است :

«و رکوبها اعناق سهول الارضین» [۵۹]

«(کوهها) بر گردن همواریهای زمین‌ها سوارند .»

«الم یکنونوا اربابا فی اقطار الارضین» (۶۰)

«آیا در اطراف زمین‌ها پادشاهان و مالک رقاب نبودند.»

«فهم مکام علی العالمین و ملوک فی اطراف الارضین (۶۱)

«(اعراب) در اطراف زمین ها پادشاهان شدند .»

البته با توجه به قرائن موجود در کلام حضرت امیر(ع) در همه موارد «ارضین» به معنای قطعات زمین و خشکی ها است .

پس اگر زمین های هفتگانه را بتوانیم از قرآن برداشت کنیم می توانیم به یکی از معانی گذشته یعنی هفت قطعه و اقلیم زمین همانگونه که در روایات آمده یا هفت کره خاکی یا هفت طبقه داخلی زمین ممل کنیم .

بررسی :

1- با توجه به معانی متفاوتی که از آسمان، زمین، مثلثیت آنها، هفت و هفت آسمان بیان کردیم و با توجه به احتمالات متعدد تفسیری در این آیات نمی توان گفت که مقصود قرآن در همه موارد یک معنای آسمان بوده است و نمی توان یک معنای خاصی را بر قرآن در مورد هفت آسمان تممیل کرد .

پس معلوم می شود که تمام کسانی که به صورت قاطع یک معنا را به قرآن نسبت می دادند و بر آن پا فشاری می کردند راه صواب نرفته اند. (علاوه بر اشکالات واضحی که در این دیدگاهها وجود داشت که به برخی از آنها اشاره داشتیم).

2- با توجه به ابهامی که در معنای هفت آسمان قرآن وجود دارد و با توجه به ابهاماتی که در مورد آسمان و کهکشانها از نظر علمی وجود دارد و نظریه های متفاوت و بالندهای که هر روز ارائه می شود، نمی توان گفت که نظر قطعی قرآن کدام نظریه است .

با توجه به این مطلب، ادعای اعجاز علمی قرآن در آیات مربوط به هفت آسمان

صمیم به نظر نمی‌رسد و متی اگر يك نظریه علمی در مورد هفت آسمان به اثبات برسد باز اعجاز علمی ثابت نمی‌شود چرا که همانطور که گذشت هفت آسمان قبل از اسلام در قوم نوح و بین یهودیان مطرح بوده است .

3- از آنجا که ممکن است مقصود از واژه آسمان در اصطلاح قرآن و اصطلاحات علمی متفاوت باشد (مثلاً یکی آسمان معنوی بگویند و یکی فضای خالی یا جایگاه کرات آسمانی) پس نمی‌توان گفت که تعارضی بین گزاره هفت آسمان قرآن با یافته‌های علوم کیهانی شناسی وجود دارد. چرا که علوم کیهان شناسی ادعا می‌کند: هنوز هفت آسمان کشف نکرده است .

و قرآن ادعا می‌کند هفت آسمان وجود دارد .

پس با توجه به احتمال اشتراك لفظی واژه « آسمان » نمی‌توان گفت دو گزاره فوق معارض است و اگر هم هر دو (علم و دین) يك معنا را از آسمان اراده کنند باز هم علم، وجود آسمانهای هفتگانه را نفی نمی‌کند بلکه آنها را اثبات نکرده است . اما قرآن از طریق ومی خبر از وجود آنها می‌دهد پس ممکن است در آینده آسمانهای دیگری کشف شود و گزاره دینی به اثبات برسد .

پی نوشت ها:

[1] طلاق / ۱۲ .

[2] ر.ک: جمیز هاکس، قاموس کتاب مقدس، ماده آسمان .

[3] بطمیوس (PTOLEMAOS) منجم و جغرافی‌دان معروف یونانی صاحب کتابهای مجسطی و آثار البلاد (زنده در قرن دوم میلادی) او معتقد بود که زمین ساکن و مرکز جهان است و هفت فلک به دور آن می‌چرخند که عبارتند از (قمر، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری، زحل، فلک هشتم که ستاره‌های ثابت هستند و فلک نهم یا فلک الافلاک یا فلک اطلس که همه افلاک در آن قرار دارند). در مورد هیئت بطلمیوسی در مبحث « حرکت خورشید » سخن گفتیم.

[4] حاقه/ ۱۷ .

- [5] رسائل ابن سینا، ص ۱۲۸-۱۲۹ به نقل از التفسیر و المفسرون، ج ۲ ص ۴۲۶ .
- [6] محمد باقر بهبودی، هفت آسمان، ص ۸، کتابخانه مسجد جعفری (قیطریه) تهران، بی تا .
- [7] محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۵، (چاپ دارالکتب الاسلامیه).
- [8] شرح منظومه، قسمت فلسفه، ص ۲۶۹ (انتشارات دارالعلم) .
- [9] ر.ک: قاموس قرآن، ج ۶، واژه کرسی و نیز نمونه، ج ۲، ذیل آیه ۱۵۵ بقره .
- [10] ر.ک: قاموس قرآن، ج ۴، واژه عرش .
- [11] ر.ک: المیزان، ج ۱۰، ص ۱۵۵ .
- [12] یدالله نیازمند شیرازی، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، ص ۱۴۵ و ۱۶۷ (شرکت چاپ میهن - ۱۳۳۵ ش).
- [13] تفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۵۶ .
- [14] محاسن التأویل، طبع عیسی الحلبي، ۱۹۷۰، ۵۸۷۷/۱۶ به نقل از التفسیر العلمي في المیزان، احمد عمر ابو حجر، ص ۳۸۰ .
- [15] نپتون در سال ۱۸۴۶ و پلوتن در سال ۱۹۳۰ کشف شد .
- [16] در ادامه بعدی معانی لغوی و اصطلاحی « سماء » را بررسی خواهیم کرد .
- [17] عبدالقادر مغربی، تفسیر جزء تبارک، ط قاهره، ۱۹۴۷ م، ص ۴ به نقل از التفسیر العلمي في المیزان، ص ۳۸۳ .
- [18] ابراهیم/۳۴ و نحل/۱۸ .
- [19] المنتخب في التفسیر، تعليق الخبراء، ۱/۱۶، به نقل از التفسیر العلمي في المیزان، ص ۳۸۴ .
- [20] المنتخب في التفسیر، تعليق الخبراء، ۱/۱۶، به نقل از التفسیر العلمي في المیزان، ص ۳۸۴ .
- [21] ایمان مرادی، رازهای آسمانهای هفتگانه، ص ۸۴ به بعد، معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۳ ش .
- [22] محمد باقر بهبودی، هفت آسمان، ص ۱۰ و نیز دکتر محمد صادقی، زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، ص ۲۲۹ .
- [23] همان، ص ۱۱ .
- [24] ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۷ و نیز ذیل آیه ۱۲ طلاق .
- [25] محمد باقر بهبودی، هفت آسمان، ص ۱۳ (با تلخیص) .
- [26] ر.ک: المیزان، ج ۱۶، ص ۲۴۷ و ج ۱۹، ص ۳۲۷ (چاپ بیروت) و ذیل آیات هفت آسمان .
- [27] ق/۹ .
- [28] مع القرآن في الكون، ص ۱۸۹-۱۹۳ .
- [29] ر.ک: تفسیر الجواهر، ج ۱، ص ۴۶ (نقل به مضمون) .
- [30] ر.ک: دکتر محمد صادقی، زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، ص ۲۲۶ .
- [31] همان، ص ۲۲۷ و ۲۳۲ و ۲۴۲ و ۲ .
- [32] دکتر پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ۱۱۱ .
- [33] حسن مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۵، ص ۲۵۶ .
- [34] مفردات راغب، ماده سماء .
- [35] ر.ک: بینات، سال دوم، شماره ۸، ص ۸۶-۸۷ .
- [36] ابراهیم/۲۴ .
- [37] تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۷، چاپ دارالکتب الاسلامیه .
- [38] استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۳۴ .

- [39] ق/۹.
- [40] فرقان / ۶۱.
- [41] ر.ک: المیزان، ج ۱۶، ص ۲۴۷ و ج ۱۹، ص ۳۲۷، چاپ بیروت.
- [42] سجده/۵.
- [43] استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۳۴-۲۳۶.
- [44] ذاریات / ۲۲.
- [45] ر.ک: مفردات راغب، ماده سما و ارض.
- [46] ر.ک: حسن مصطفی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱، ص ۵۶ (مرکز نشر کتاب).
- [47] مائده/۳۳.
- [48] استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۳۸-۲۳۹.
- [49] ر.ک: المیزان، ج ۱۹، ص ۳۲۶ و تفسیر نمونه، زیر آیه فوق (طلاق/۱۲).
- [50] لقمان/۲۷.
- [51] تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۷ و زیر آیه ۱۲ سوره طلاق.
- [52] استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۳۹-۲۴۰.
- [53] ر.ک: تفسیر اطیب البیان، ذیل آیه ۱۲ سوره طلاق.
- [54] ظاهر آیه همین معنا است و فخر رازی هم در تفسیر کبیر همین احتمال را در معنای ط مثل « پذیرفته است. هر چند که سیارات هفت‌گانه را باقالیم هفت‌گانه در مقابل هم قرار داده است. (ر.ک: تفسیر کبیر، ج ۳۰، زیر آیه ۱۲ سوره طلاق).
- [55] ر.ک: المیزان، ج ۱۹، ص ۳۲۶ که بصورت احتمال ذکر می‌کند.
- [56] ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۷ و زیر آیه ۱۲/طلاق.
- [57] ر.ک: صافات/۶ (انا زینا السماء الدنيا بزینة الکواکب) و نیز ملک/۳.
- [58] وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۰۷: « لا اله الا الله رب السموات السبع و رب الارضین السلع »
- [59] نهج البلاغه (سه جلد)، ج ۱، ص ۱۷۴ و نیز ر.ک: قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۶۵.
- [60] نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۷۷.
- [61] نهج البلاغه، ص ۱۷۹ و نیز خطبه ۱۹۹ « والارضین المدحوة و الجبال ذات الطول ...»

برای زحمتی که در جهت تهیه مطالب انجام دادیم، صلواتی در جهت تعجیل ظهور

مولایمان حضرت مجت ابن المسن ع بفرستید.